

■ **سریال «الغالبون ۱»** از جمله آثار تولیدی در حوزه مقاومت است که توسط یک کارگردان سوری و با نقش آفرینی چندین بازیگر سرشناس عربی تولید شده است. «باسل الخطیب» کارگردان معروف سوری است که سریال «الغالبون ۱» را درباره سیره مقاومت اسلامی حزب الله لبنان ساخته است

بررسی آثار تلویزیونی و سینمایی تولید شده با محوریت «مقاومت حزب الله لبنان»

خیزش دوباره بیداری اسلامی با تولید آثاری از جنس «مقاومت»

۱۲ گزارش

مصطفی شاه کرمی

ملت‌هاست و انقلاب اسلامی عمیقاً به جایگاه رفیع هنر واقف بود و با آن از این منظر به‌خورد کرد که هنر، ارزشی از ارزش‌های ملت می‌باشد نه وسیله تفریح و سرگرمی. از سوی دیگر امروزه و با توجه به تغییر ماهیت نبرد و هجمه دشمنان به یک ملت یا کشور، از نبرد و جنگ سخت یا نظامی به جنگ نرم، یکی از ابزارهای مورد استفاده در این رویارویی‌ها «مدیا» و «تولیدات سینمایی» است. صرف‌نظر از نوع نگاه منتقدانه و متعارضی که ما از واژه «مدیا» و بار و معنای لغوی آن با غربیان داریم، باید گفت که تولیدات سینمایی با توجه به گستره تأثیرگذاری و جهت دهی به آذه‌ان آحاد مردم جامعه، یکی از کار ی‌ترین و پرنده‌ترین ابزارهای قابل دسترس است که توانایی و بهره‌گیری از آن مستلزم رشد و ارتقای سطح کیفی و کمی آن است. سینمای ایران توانمندی‌های خود در حوزه‌های تولید فیلم، بازیگری، کارگردانی و فیلم‌برداری را اثبات کرده و با گذشت بیش از سی سال از عمر بابرکت انقلاب اسلامی توانسته است در حضور رقیبان صاحبان خود به جا‌جایی جهانی دست یابد.

■ **آغاز روند تصویرگری «مقاومت»**

مقاومت از جمله واژه‌هایی است که طی چند سال اخیر به خصوص بعد از جنگ‌های متعدد در منطقه که از جانب ابرقدرت‌های استعمارگر غربی علیه کشورهای اسلامی به راه افتاد، بیشترین کاربرد و تکرار را به عنوان یک کلمه واژه استرژژیک داشته است. با توجه به نابرابری فاحش قدرت و توان نظامی، تسلیحاتی و... برخی کشورهای مسلمان منطقه در مقابل ابرقدرت‌های زورگو، استفاده و بهره‌گیری از ابزارهای مؤثر و صاحب نفوذی مثل هنر و تولیدات سینمایی (در صورت کیفیت داشتن تولیدات) یکی از مهم‌ترین و بهترین ابزار برای شفاف‌سازی و تئویر افکار عمومی و وجدان‌های بیدار در سراسر عالم به حساب می‌آید. طی سال‌های منمادی و بیش از نیم قرن است که باز شدن پای صهیونیست‌ها در منطقه حساس و البته مهم خاورمیانه با پهنه داشتن حق تشکیل یک حکومت و کشور یهودی (صهیونیستی) باعث شعله‌ور شدن آتش جنگ و تجاوز از جانب این رژیم جعلی و همپیمانانش شده است. کشورهای نظیر لبنان، فلسطین، سوریه و حتی مصر از جمله ممالکی هستند که بارها و بارها مورد تعدی و تجاوز آشکار این رژیم نژادپرست قرار گرفته‌اند که حاصل آن شکست‌های بی در پی اخیر جبهه صهیونیستی از نیروهای مقاومت کشور لبنان و فلسطین بوده است. انتشار اخبار پیروزی‌های کسب شده جبهه «مقاومت» در چند سال اخیر و در مواجهه با رژیمی که به ادعای دیگران پنجمین ارتش مجهز و پیشرفته جهان را در اختیار دارد، به جز از طریق رسانه‌ها، دیداری و شنیداری، تصویرسازی و نشان دادن خوی سفاکی و وحشیگری این رژیم و حامیانش از طریق تولید و ساختن فیلم و سریال بهترین شکل ممکن در حال حاضر است، چه‌اینکه با تولید فیلم و سریال‌هایی با محوریت مقاومت در برابر ظالمان و زاده‌خواهان هم می‌توان شکست‌های صهیونیست‌ها را به جهانیان و نسل‌های آینده نشان داد و هم ظلم و خورنریزی و وحشیگری آنان را در تولید با حمایت اسرائیل مانده‌گار و ثبت کرد. برخی از این کشورها و مشخصاً حزب الله لبنان با تحمیل چندین شکست نظامی و اطلاعاتی به رژیم صهیونیستی در عرصه جنگ نظامی و سخت، چند سالی است که با تولید با حمایت اسرائیل از آثار ی مرتبط با «مقاومت» سعی دارند که در جبهه فرهنگی و جنگ نرم نیز دست برتر را داشته باشند. از همین رو می‌توان به تولید یا حمایت این کشورها و نیروهای همانند «بیداری یک رویا»، «۳۳ روز»، «زیرسمانی نزدیک‌تر از مرگ» و «خله‌ورده» و همچنین سریال‌هایی مثل «الغالبون ۱ و ۲» «گروه ناجی عطاالله»، «سبلی» و «پرواز کن ای جنگنده» اشاره کرد.

■ **مراکز تولید فیلم و سریال در لبنان**

در بسیاری از کشورها مراکزی وجود دارند که وظیفه تهیه و تولید فیلم و سریال‌هایی با محتوا و موضوعات مختلفی که بخش‌ها، مسائل مهم و قابل توجه آن کشور را بر عهده دارند. در کشور لبنان نیز مراکز چندگانه‌ای در زمینه تولید فیلم و سریال وجود دارند اما دو مرکز تولید آثار فرهنگی و هنری هست که در کدام از آنها تا کنون توانسته‌اند فیلم‌ها و سریال‌های متعددی را در حوزه «مقاومت» تهیه و تولید کنند. از جمله مراکز فعالی که در عرصه فیلم و سریال‌سازی اقداماتی انجام داده‌اند می‌توان به تلویزیون «المنار» و همچنین بنیاد هنری لبنان با نام «الجمعية اللبنانية للفنون –رسالات» اشاره کرد که فیلم سینمایی «خله‌ورده» یکی از کارهایی است که توسط «الجمعية اللبنانية للفنون –رسالات» تولید شده است. از جمله اهدافی که موسسین و بنیانگذاران این مرکز برایش پیش‌بینی و تعریف کرده‌اند می‌توان به: گسترش فرهنگ هنر و رسانه

به تمام اقشار جامعه، تنوع فعالیت‌های تئاتری، موسیقی، فرهنگی و هنری، برپایی نمایشگاه‌هایی با ماهیت فرهنگی رسانه‌ها، مرکز فعال دیگر که در این زمینه مشغول فعالیت است جایی به اسم «مرکز بین‌المللی هنر بیروت» است که سریال دوگانه «الغالبون ۱ و ۲» جزو آثار پرطرفدار آن در کشور لبنان به حساب می‌آید.
■ **تولیدات مشترک با دیگر کشورها**
فیلم سینمایی «۲۳روز» به کارگردانی «جمال شوروچه» در حالی به روی پرده سینماهای بیروت رفت که بسیاری از سایت‌های سینمایی اخبار مربوط به فیلم، بازیگران و حواشی آن را در حد وسیعی منتشر کردند. این فیلم که در ابتدا قرار بود با نام «جنوب آسمانی» ساخته و اکران شود ضمن برهم زدن آرامش سران رژیم اشغالگر صهیونیستی توانست توجه مردم و رسانه‌های جهان عرب را نیز به خود معطوف کند. پایگاه رسمی این فیلم در لبنان توسط گروه «آل ریخانه» ایجاد گردید که درایام اکران آن در لبنان و به صورت همزمان اخبار و اظهارات افراد و شخصیت‌های مرتبط با آن منعکس می‌کرد. از جمله نکاتی که این پایگاه سینمایی به آن اشاره کرده است، تصویربرداری این فیلم در «نصاریه» و «برج رحال»، استفاده از ۳۰ دستگاه نظامی ارتش لبنان، ساخت دکور و لوکیشن در چهار ماه، زخمی شدن هفت نفر در جریان انفجارهای فیلم و ساخت بنای پنج هزار مترمربعی و تخریب کامل آن است! از جمله نکات بسیار جالب درباره بازه زمانی اکران این فیلم در لبنان عکس‌العمل روزنامه صهیونیستی «یدیعوت احارون» است که ضمن اتراف به موفقیت‌های فیلم «۳۳روز»، نسبت به اکران این فیلم در کشور لبنان ابراز نگرانی می‌کند. این روزنامه صهیونیستی با اعلام این خبر که فیلم «۳۳روز» با موضوع دومین جنگ لبنان است، می‌گوید: جای تعجب نیست که در این‌سریال، اسرائیلی‌ها (صهیونیست‌ها) با دیدگاهی بسیار منفی به تصویر کشیده شده‌اند، در حالی که نیروهای حزب‌الله لبنان افرادی شجاع و قهرمان هستند. نگاه دقیق‌تر به عوامل پشت صحنه این فیلم سینمایی بیانگر این مطلب است که ایران، حامی حزب الله لبنان، سازنده اصلی این فیلم است.

«۳۳روز» داستان نیروهای لبنانی (حزب الله) است که در عملیات موفقیت آمیز، اسرای لبنان را از رژیم صهیونیستی اسرائیل پس می‌گیرند و نیروهای متعددی را در حوزه «مقاومت» تهیه و تولید کنند. از جمله مراکز فعالی که در عرصه فیلم و سریال‌سازی اقداماتی انجام داده‌اند می‌توان به تلویزیون «المنار» و همچنین بنیاد هنری لبنان با نام «الجمعية اللبنانية للفنون –رسالات» اشاره کرد که فیلم سینمایی «خله‌ورده» یکی از کارهایی است که توسط «الجمعية اللبنانية للفنون –رسالات» تولید شده است

رژیم اسرائیل با فرماندهی شخصی به نام «کلنل آوی» که خاطرات بسیار بدی از مردم منطقه‌ای به نام «عبثا الشعب» دارد، در انتقام از نیروهای حزب الله به این منطقه حمله می‌کنند و... این فیلم براساس حوادث مستند و واقعی جنگ ۲۳روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان و با همکاری مشترک بنیاد سینمایی فارابی، مقاومت حزب الله و دولت لبنان تهیه شده است.

«رسمانی نزدیک‌تر از رگ» هم یکی دیگر از فیلم‌ها و آثار مشترکی است که بیروت پایتخت لبنان چندین روز شاهد اکرانش بوده و مردم لبنان با زیباخواندن این اثر سینمایی، لبنان را نیازمند به فیلم‌های بیشتری از جنس آن می‌دانند. داستان فیلم درباره چگونگی زندگی شانزده ساله در لبنان اشغال شده توسط رژیم صهیونیستی است و بازیگران فیلم همگی لبنانی هستند که نقش اصلی آن را «جورج شهلوب» بازی کرده و زبان فیلم عربی است. «رسمانی نزدیک‌تر از رگ» که اقتباسی از رمان «حبل کلورید» نوشته «عبدالقوس الامین» است توسط جعفر حسنی نوشته شده و ساخت آن حدود چهار ماه در لبنان به صورت کار مشترک بین سازمان صدا و سیما ی کشورهای «بنیاد هنری و رسالت» متعلق به حزب‌الله لبنان انجام شده است. مردم لبنان فیلم «رسمانی نزدیک‌تر از رگ» که در لبنان با نام «حبل کلورید» به نمایش در می‌آمد را، زیبا، بزرگ و یادآور خاطرات ملی دانسته و تأکید می‌کرده‌اند که لبنان نیازمند فیلم‌های بیشتری در این زمینه است. اگرچه این فیلم در سکوت کامل خبری ساخته شد، اما برنده شدنش در جشنواره فیلم فجر (سی امین دوره) و اکران موفقش در لبنان تا حدود بسیار زیادی توجه علاقمندان به این موضوع «مقاومت» را به خود جلب کرد.

سریال «الغالبون ۱» از جمله آثار تولیدی در حوزه مقاومت است که توسط یک کارگردان سوری و با نقش آفرینی چندین بازیگر سرشناس عربی تولید شده است. «باسل الخطیب» کارگردان معروف سوری است که سریال «الغالبون ۱» ا درباره سیره مقاومت اسلامی حزب الله لبنان ساخته است. سریال «الغالبون ۱» درباره چگونگی و کیفیت تشکیل مقاومت حزب‌الله لبنان از سال ۱۹۸۲ و نیز از هنگام حمله اسرائیل به لبنان را تا زمان عقب‌نشینی اسرائیل از شهر «صور» در سال ۱۹۸۵ به نمایش درآورده است. به رغم اظهارات غیر منصفانه برخی جاک‌عرب درباره نیروی مقاومت حزب‌الله لبنان باسل الخطیب می‌گوید: در زمانی که دشمنان به دنبال تخریب و هجمه مقاومت در لبنان هستند، کار جدید من به دنبال ارائه تصویر واقعی و حقیقی از این مقاومت و کیفیت تشکیل آن در سایه شرایط سیاسی، اقلیمی و بین‌المللی بسیار پیچیده است. از حضور در لبنان خشنود هستم و به این‌که درباره مسئله بزرگی به نام مقاومت کار می‌کنم، افتخار می‌کنم.

خطیب در این سریال از بازیگران معروف لبنانی چون «محمد الزین»، «دارین حمزة»، «عبدالمجید محذوب» و «پیتر داغر» استفاده کرده است و تصویربرداری خود را اکثراً در شهرهای جنوب این کشور و همچنین بعلبک و بیروت انجام داده است. لازم به یادآوری است که سریال تلویزیونی «الغالبون ۱» چند وقت پیش از شبکه «ای فیلم» به نمایش شد که با اقبال مخاطبان روبه‌رو گردید.

■ **تولیداتی سراسر لبنانی**

فیلم سینمایی «خله‌ورده» به کارگردانی «عادل سرحان» نیز از جمله آثار سینمایی پرطرفداری است که در حوزه مقاومت ساخته شده است. سرحان که تا پیش از این به غیر از چند کلیپ ویدئویی کوتاه، سابقه کارگردانی و ساختن فیلم بلند سینمایی در کارنامه‌اش نبود، توانست با این اثر به شهرت و

سرویس فرهنگی۴۹۸۹۸۲۶

فرهنگ و هنر



محبوبیت بیشتری در میان مردم لبنان دست یابد. این کارگردان لبنانی طی مصاحبه‌ای که با سایت خبری «النه‌ار» لبنان داشته ضمن ابراز خوشحالی از استقبال بالای مخاطبان از فیلمش این اتفاق را نظر و توجه خداوند به او اعلام می‌کند.

به گفته این کارگردان داستان اصلی فیلم «خله‌ورده» درباره یک قطعه زمینی در روستایی واقع در مناطق جنوبی لبنان اتفاق می‌افتد که مورد اشغال نیروهای رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد. عادل سرحان وقایع و رویدادهایی که در راه مقاومت مردم آن منطقه از جنوب لبنان مقابل ظلم و ستم اشغالگران اتفاق افتاده است را روایت می‌کند. وی در همین گفت و گو زمان رخداد وقایع این فیلم را بین سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ اعلام می‌کند و اینکه می‌خواسته است با نشان دادن فداکاری و دفاع مردم از سرزمینشان یک پیام ملی و سراسری را برای همه فرزندان این روستا و بلکه تمام کشور لبنان ارسال کند. عادل سرحان توانسته است این فیلم سینمایی ۹۰ دقیقه‌ای را ظرف مدت شش ماه و در شهر «خریبه‌اسلم» جنوبی به نویسندگی «محمد الجعفری» اهل سوریه و با بازی بازیگرانی همچون أحمد الزین، وختام اللحام، وسعد حمدان، وهشام أبو سلیمان، وحسن فرحات و همچنین با تهیه‌کنندگی «تولید کنند. «بیروت الدولي للاتنتاج والتوزيع الفني» تولید کند. قسمت دوم یکی از پرطرفدارترین سریال‌های لبنانی، با نام «الغالبون ۲» که به دوران اشغال جنوب لبنان و زندگی شهید سیدعباس موسوی با بازی فرزندانش می‌پردازد، توسط شبکه «المنار» ساخته شده است. سری دوم سریال «الغالبون» قرار است وقایع جدیدی از زندگی اهالی جنوب لبنان پس از خروج نیروهای اشغالگر صهیونیست از صیدا و بخشی از جنوب آن در بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲ را به تصویر بکشد. «الغالبون ۲» پس از آن که در قسمت اولش به بخش‌هایی از زندگی «شهید راغب حرب» پرداخت این بار به زندگی «سید عباس موسوی» از زمان رهبری حزب الله لبنان می‌پردازد و نقش او در ایجاد عملیات‌های مقاومت و در نهایت شهادت او را به تصویر می‌کشد. این سریال در ۴۰۰ لوکیشن برای تقریب بیشتر و کیفیت تشکیل مقاومت ۳۰۰ بازیگر ساخته شده است تا حوادث حقیقی فیلم‌ها و ادبیات تقدیس رزمندگان و شرح دل‌آواری‌ها و رشادت‌های آنان بود و هرگز آن را به نطفه نهدامی مورد نوشته شده اما قرار است آن را «رضوان شاهین» به تهیه‌کنندگی «مرکز بین‌المللی هنر بیروت» کارگردانی کند. بخشی از تصویربرداری سری دوم سریال «الغالبون» در یک پادگان نظامی است که شاهد درگیری رزمندگان حزب‌الله و ارتش مزدوران صهیونیستی به رهبری «آنتوان لحد» است.

«الغالبون ۲»، شاهد بازیگران لبنانی است که بر خلاف سری گذشته با رغبت به این سریال آمدند و در شهر «صلیبه» در جنوب لبنان حاضر شدند. در این سریال علاوه بر بازیگرانی چون «باسم مغنیه» و «پیتر داغر» که در سری اول این سریال بودند، «طلوی عیسی» نقش «علی بالال»، «هوردیک سلیمان» نقش شهید «سبیر مطوط» (حاج جواد)، «میشال غانم» در نقش شهید «رضاحبرری» بازی می‌کنند.

■ **لزوم ادامه حرکتی امیدوارکننده**

تولید سریال و فیلم‌هایی با این گستره و راضی نگه داشتن مخاطب، هم به لحاظ محتوایی و هم به لحاظ فنی، نشان دهنده حرکت رو به جلو و امیدوارکننده‌ای است که نویدبخش شدت گرفتن حرکت پرشتاب و معقول سینمای مقاومت است. چه اینکه تولیداتی اینچنین و پس از نمایش نتیجه مقاومت معقول و البته سرفرازانه در مقابل چشمان مردم مسلمان و مظلوم منطقه، زمینه‌های لازم برای قیام و بیداری‌شان را مهیا و فراهم می‌سازد.

سه‌شنبه ۵ شهریور ۱۳۹۲ | ۱۹ شوال ۱۴۳۴ | روزنامه جوان | شماره ۴۰۴۷

■ **به‌طور حتم بین‌المللی کردن نمایشگاه قرآن در عمل با توجه به هنرینه‌ها و مخاطبان این نمایشگاه، یک امر مهم و حیاتی است زیرا یکی از کارکردهای نمایشگاه، خوراک رسانه‌ها از جمله شبکه‌های بین‌المللی مثل پرس‌تی‌وی، سحر، الکوثر و العالم را تأمین می‌کند**

آنچه نمایشگاه قرآن امسال را متمایز کرده بود

بالایی دارد تا تبلیغات سوء و هابیون را که به رسانه‌های مختلف خوداز جمله شبکه‌های العربیه، الجزیره و...ایرانیان و به‌خصوص شیعیان را رافقه‌ای ضد اسلامی معرفی کند، خنثی نماید.

جواد فروغی قاری مشهور کشورمان که چند سالی است با آموزش زبان انگلیسی به تبلیغ و مناظره‌های بین‌المللی می‌پردازد در خاطره‌ای می‌گوید: «برای قرانت قرآن به مدینه رفته بودم. در مدینه یکی از شرطه‌های اهل سنت نزد من آمد وخواست تا قرآن فاطمه را برایش بخوانم. به او گفتم فردا بیا و فردا از روی قرآن رایش خواندم؛ وقتی دید قرآن فاطمه تنها تبلیغات ضدشیعه‌وهابیون است گریه‌می‌کردو می‌گفت خدا وهابیون را لعنت کند که شمارادران دینی ما را بپهود آئین محمد معرفی می‌کنند»

متأسفانه این یک حقیقت است که کم‌کاری و سوءمدیریت ما به‌خصوص در بحث بیداری اسلامی سبب گشته است تا وهابیت دروغ‌های خود را راحت‌تر به‌خورد مردم بدهد، لذا نمایشگاه قرآن بستر مساعد و بزرگی است تا نخیشان و تأثیرگذاران جهان اسلام گرد هم بیایند و با مکتب تشیع بیشتر از قبل آشنا شوند. طاهری مدیر بخش زهیافتگان می‌گفت: «ن‌شاه‌الله ما برای بین‌المللی‌تر شدن بخش خود برنامه‌های زیادی داریم که با حمایت مدیریت نمایشگاه آن را به منصفه ظهور می‌رسانیم. ما با چهره‌های شناخته شده تازه مسلمان جهان در حال مذاکره هستیم تا برای اولین بار آنها را به ایران بیاوریم زیرا این افراد پتانسیل بالایی برای مکتب تشیع در جهان خواهند بود.» اینکه یک مدیربخشی این چنین از برنامه‌ریزی برای آینده سخن می‌گوید نودهند روند رونه‌پهپود این فستیوال جهانی در مراحل بعدی خود است.

به‌طور حتم بین‌المللی کردن نمایشگاه قرآن در عمل با توجه به هنرینه‌ها و مخاطبان این نمایشگاه، یک امر مهم و حیاتی است زیرا یکی از کارکردهای نمایشگاه، خوراک رسانه‌ها از جمله شبکه‌های بین‌المللی مثل پرس‌تی‌وی، سحر، الکوثر و العالم را تأمین می‌کند؛ هرچند اگر مدیران این شبکه‌ها از چنین پتانسیل‌های بالقوه‌ای استفاده‌کنند نوعاً به بین‌الملل خیانت کرده‌اند. لذا به عنوان رسانه توصیه ما به وزارت فرهنگ و ارشاد دولت یازدهم آن است که این روند بین‌المللی را که در پاک کردن تفکرات ضداسلامی و ضدایرانی نقش زیادی دارد تقویت‌نموده و به‌سادگی از کنار نگذرد؛ چرا که ما نمایشگاه‌ها و فستیوال‌های متعددی داریم که هر چندی می‌تواند در بحث زدودن ذهنیت ایران‌هراسی مؤثر باشند اما از آنجایی که با اندیشه و مرام ما سروکاری ندارند نمی‌توان برداشت‌های فرهنگی از آنها گرفت چه آنکه یک دانشمند کم‌است این فرهنگ را به ایران آمده باشد اما تنها اهداف علمی خود را دنبال کند. این موضوع حتی در مورد ناشران کتاب هم صادق است؛ چون آنها به فروش می‌اندیشند نه به تفکرات ضداسلامی که درحالی‌که نمایشگاه‌قرآن، نمایشگاهی است که هدف آن تأثیرگذاری و تأثیربرداری است. پس باید با برنامه‌ریزی از همین امروز بین‌المللی بودن آن را بیشتر از قبل تقویت نمود.

۸ سال دفاع مقدس در ادبیات مقاومت ایران

دنیای جنگ و محیط جبهه هم چنان برای رزمنده قدسی است و ارزش‌های رزمنده نشأت گرفته از همان فضا است اما تردیدی نسبت به قداست ارزش‌ها و باورهای جبهه توسط دیگران اجتماعی مهم رزمنده، مثل خانواده وی، صورت می‌گیرد و تزلزل بنیان‌های جبهه در ذهن رزمنده از همین جا شکل می‌گیرد، پس اغراق نکرده‌ایم اگر این دوران را زمان شکندنگی قداست جبهه در ذهن رزمنده بنامیم، چراکه ارزش‌های جنگ تنها برای آن عده معدود است که تجربه مشترک حضور در جبهه را داشته‌اند، مقبول است. کتب جنگ با شکل داده‌اند. «مانهایا»، مستند است که یک نسل حقیقی و تبلور یک آگاهی نسلی متمایز، نتیجه حوادث تاریخی عظیمی است که افسران حدود ۲۵-۱۷ سالگی خود در داخل حوزه جغرافیایی واحدی، به طور مشترک آن را تجربه می‌کنند. در ایران دوران جنگ، رزمندگان این تجربه منحصر به فرد را در نسل خود داشتند و این تجربه عاملی در شکل‌گیری چارچوب مفهومی قدرتمندی شد که گراشتار ارزشی آن را به سمت خاصی سوق داد. در نگرش مانهایا، یک شکاف نسلی ناشی از این تفاوت ارزش‌ها و باورها اجتناب‌ناپذیر است. در این دوران نیز همچنان جبهه مقدس و قدسی و ماورایی قلمداد می‌شود. در دوران آخر، ادبیات جنگ نسبت به سلال‌های نزدیک‌تر به جبهه تفاوتی عمیق جلب نداشت. این هنگام را می‌توان «بازگشت رزمنده به دنیای واقعی» نامید. یکی از داستان‌های متفاوت با ادبیات قدسی جبهه، مجموعه داستان «هن قاتل پسر تان هستم» نوشته احمد دهقان است که در این داستان دیگر رزمندگان هیچ ایده‌آل نیست بلکه به فردی عادی و غیر قدسی بدل شده که گناهان انسانی از او سر می‌زند و گاه برای امرار معاش فضای قدسی جبهه را به ابزاری در ایسن راه مبدل کرده است. رزمنده که در فضای جبهه یک اسطوره تلقی می‌شد دیگر آن هاله مقدس و ماورایی را به دور خود ندارد و یک انسان عادی است. در دنیای متغیر و واقعی، داستان‌ها خالی از صحنه‌ای اسطوره‌ای جبهه و رزمنده‌ها و دیگر هر کس مسئول کار و عمل خویش است و جنگ در این مجموعه داستان نه با دشمن بیگانه و خارجی که جنگ بر سر آرمان‌ها و باورهای قدسی جبهه و آرمان‌ها و باورهای دنیای مادی بعد از دوران جنگ است.

شاید بتوان در مورد بسیاری از مضامین ادبیات دفاع مقدس که جبهه افضایی عاری از هر گونه ناپاکی و زشتی قلمداد می‌کند، این نظر بارت را آورد که: «اسطوره چیزی را پنهان نمی‌کند بلکه کار کرد اسطوره تحریف کردن و مخدوش کردن است» چراکه در فضای جبهه نوعی اسطوره‌سازی شکل گرفته است؛ در صورتی که در هر اجتماع انسانی، هیچ گاه نمی‌توان گفت که هیچ انحراف و کجروی از ارزش‌ها و باورها رخ نداده است و تمامی رزمندگان انسانی‌هایی عاری از هر گونه پلیدی هستند.

امسال نمایشگاه قرآن به

مدت یک ماه هم برگزار شد و انصافاً مردم با وجود

گرانی‌های کم‌شکن و فشار اقتصادی شدید از آن استقبال خوبی نمودند؛ به‌خصوص آن‌که نمایشگاه قرآن به نسبت سایر نمایشگاه‌ها و یژگی خاصی دارد و آن این است که درامه مبارک رمضان، یعنی ماهی که اغلب روزها رهندند همچنین در اوج گرمای تابستان بر پا می‌شود. اینها دلایلی است که از منظر عقلی و منطقی مخاطب یک نمایشگاه را با



ساختار غیراصولی مصلای تهران با ریزش مواجه می‌کند؛ با این حال استقبال میلیونی مردم از نمایشگاه قرآن موید پتانسیل‌های بالای این فستیوال معنوی بین‌المللی است آنچه‌امسال نمایشگاه قرآن تهران را به‌نسبت سال‌های قبل منحصر به‌فردتر کرده بود همان گونه که روسای نمایشگاه هم گفته بودند بین‌المللی بودن عملی آن بود؛ چیزی که سال‌های قبل تنها اسم آن را یدک می‌کشید فقط حضور چند نفرای مصری به آن وجاهت بین‌المللی و جهانی می‌داد و عمدتاً فعالیت‌ها داخلی بود؛ در صورتی که طی دوسال اخیر نمایشگاه قرآن تهران کم‌کم به جایگاه جهانی نزدیک شده و مفاهیم عملیاتی‌تری به خود گرفته است. حضور ناشران از کشورهای خاور میانه همانند لبنان، سوریه، عراق و... حضور جامعه‌المصطفی و دانشجویان آن از نقاط مختلف دنیاو همچنین حضور و معرفی متادوم تازه‌مسلمانان از پنج قاره دنیا در بخش زهیافتگان از آن جمله هستند.

منتها مراتب این هنوز راه است. نمایشگاه بین‌المللی قرآن تهران علی‌الظاهر در دو سال اخیر با حضور ریاست سابق سازمان فرهنگ و ارتباطات، بیشتر از قبل با مفاهیم بین‌المللی آمیخته شده است. مفاهیمی که ام‌القرایی ایران اسلامی و جهان تشیع را بیش از پیش در تصویر می‌کشد و نیز به پتانسیل خوبی برای معرفی ایران قرآنی و اسلامی به جهان تبدیل می‌شود. قطعاً این نمایشگاه معنوی ظرفیت

ادبیات

سودابه پنهود

واقعیّت تحولات عظیم در ایران لزوم توجه به مسائل بسیاری در سال‌های اخیر به وجود آورده است. جنگ و ناپه‌سامانی‌های دوران بعد

از جنگ یکی از این مسائل است. بعد از پایان جنگ، مشکلات پس از آن ناگهان به فضای اجتماعی فشار وارده می‌آورد و عرصه را برای فعالیت عادی افراد اجتماع مشکل می‌کند؛ در این هنگام شاید دیگر پیروزی با شکست معنای خود را از دست بدهد زیرا مسائل عده‌ب‌دای که به وجود آمده است، محالی برای توجه به این ابعاد باقی نمی‌گذارد.

با این همه جنگ و ادبیات دوران مقاومت و دفاع مقدس جایگاه مهمی در ادبیات ما به‌خود اختصاص داده است و در خود توجه و مطالعه‌اند.

ادبیات دفاع مقدس در سال‌های جنگ و کمی بعد از آن موقعیت ویژه‌ای در ادبیات ما یافت. محتوای تمام داستان‌ها، فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها آفرینش و توصیفی معنوی از احشای قدسی و ماورایی به نام جبهه بود؛ در این موارد هاله فداستی که در اطراف رزمنده، جنگ و جبهه وجود داشت جای هیچ نقد و بازبینی نسبت به جنگ را باقی نمی‌گذاشت. در ایسن دوران، موضوعات فیلم‌ها و ادبیات تقدیس رزمندگان و شرح دل‌آواری‌ها و رشادت‌های آنان بود و هرگز آن را به نطفه نقد ندای مورد بررسی قرار نمی‌گرفتند. در فیلم «از کرخه تا تاین» رزمنده موجودی از جان گذشته و به نوعی قدسی است و سعی این قبیل فیلم‌ها باز تعریف اسطوره گونه از رزمندگان و جنگ و فضای جبهه است. رزمندگی که به دنیای مادی هیچ تعلق خطری ندارد و کاملاً در فضای جبهه گم می‌شود.

رزمنده هنوز در تصور جبهه و دنیای جنگ سیر می‌شد و با محیطی که قبلاً با آن مانوس بود، بیگانه شده است اما همچنان جبهه فضایی ثابت و عاری از هر گونه رنگ و بوی مادی و غیر قدسی است. خانواده رزمنده نیز در این دوران قدسی بودن جبهه و متفاوت بودن رزمنده را پذیرفته‌اند. در کتاب «رمیه» امیرخانی نیز با نگاهی متفاوت باز شاهد اسطوره‌سازی از رزمندگی قدیس هستیم. فیلم و داستان از این نوع در ادبیات دفاع مقدس زیادت از انواع دیگر است. این دوران اول ادبیات دفاع مقدس را می‌توان دوران اسطوره‌سازی از جبهه، جنگ و رزمنده دانست و تلاش در نیایندن ابعاد مثبت و معنوی و قدسی جبهه و رزمنده.

در دوران بعدی می‌بینیم که بنیان فضای قدسی جبهه کمی برای رزمنده مورد تردید قرار می‌گیرد و شکسته می‌شود. در این زمان رزمنده باور می‌کند که زمان استفاده از ارزش‌های جبهه تمام شده و با معیارهای دوران قدسی جبهه نمی‌توان در دنیای مادی غیر قدسی با دیگران اجتماعی تعامل داشت؛ شاید بتوان فیلم «زاسن» شیشه‌ای را ا مصادیقی برای این زمان دانست. در این فیلم